

باسمه تعالی

نام درس: راهبردهای تدریس آموزش زبان و ادبیات فارسی

نام فایل محتوای آموزشی: نگاهی به ماهیت برنامه درسی ادبیات و اهمیت برنامه درسی فارسی در اتخاذ روشهای تدریس خوب و کارآمد

نام استاد: دکتر اختیار بخشی

وضعیت درس: عملی

تعداد واحد درس: ۱ واحد

رشته: آموزش زبان و ادبیات فارسی

ورودی: ۱۳۹۷

تعداد دانشجو: ۱۰ نفر

دانشگاه فرهنگیان - پردیس علامه طباطبائی اردبیل

جلسات: هشتم تا دوازدهم

نگاهی به ماهیت برنامه درسی ادبیات و اهمیت برنامه درسی فارسی در

اتخاذ روشهای تدریس خوب و کارآمد

به همراه توصیه برای مطالعه بخش «پیشگفتار» کتابهای درسی «فارسی» و

«علوم و فنون ادبی» دوره دوم متوسطه برای درس «راهنمای تدریس

آموزش زبان و ادبیات فارسی»

پیش از هر چیز باید خاطرنشان کنم که من، اختیار بخشی، با کاربرد کلمه «راهنما» (استراتژیها / Strategies) در عنوان درس «راهنمای تدریس آموزش زبان و ادبیات فارسی» مخالفم و کلمه «روشها» (Methods) را بهتر و مناسب تر می دانم: «روشهای آموزش زبان و ادبیات فارسی»، به این دلیل که «راهنما» (استراتژی / Strategy، فن تدابیر جنگی، رزم آرای، فن لشکرکشی) اساساً اصطلاحی عموماً مربوط به حوزه های نظامی، سیاسی، تاریخی و جغرافیایی (مخصوصاً جغرافیای سیاسی) و بالاخص حوزه نظامی است، نه حوزه «آموزش زبان و ادبیات». در مدخل استراتژی در فرهنگهای لغت معاصر می خوانیم: «۱. دانش یا فن بهره گیری از امکانات سیاسی، اقتصادی، روانی و نظامی برای تأمین بیشترین حمایت از سیاست پیش بینی شده؛ راهنما؛ سیاستگذاری ۲. (نظامی) دانش یا فن فرماندهی برای مقابله موثر با دشمن؛ رزم آرای؛ تدبیر جنگ؛ استراتژی نظامی؛ سیاستگذاری جنگی؛ تدابیر سوق الجیشی»؛ اما در مدخل «روش» می خوانیم: «۱. چگونگی انجام دادن یک کار ۲. چگونگی رفتار یک شخص در مورد معین» (صدری افشار و دیگران، ۱۳۸۱: ۹۵ و ۶۸۲)، که البته هیچکدام از این تعریفها و معانی با ماهیت درس زبان و ادبیات فارسی نمی خواند و بیشتر مربوط به ضعف تألیف و شناوری کاربرد اصطلاحات در غیر حوزه های تخصصی خودشان است. ما در این درس، با آموزش روشهای تدریس زبان و ادبیات فارسی سر و کار داریم که ماهیتی اساساً علمی دارد و بحثی نظری - عملی است.

نظام آموزشی فعلی جمهوری اسلامی ایران، نظامی متمرکز و برنامه درسی آن، به کتابهای درسی (Textbooks) منحصر است که در کل کشور از آنها استفاده می-

شود. کتابهای درسی، از مهمترین، پرمخاطب‌ترین، پرکاربردترین و در دسترس‌ترین رسانه‌های آموزشی در نظامهای آموزشی کشورهای جهان، به‌ویژه نهاد آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران هستند که سند مکتوب و مدون تعلیم و تربیت محسوب می‌شوند و فعالیت‌ها و تجربه‌های یاددهندگان و یادگیرندگان، بر محور آنها سازماندهی و ارزیابی می‌شود.

در نظام آموزشی جمهوری اسلامی ایران که بر مبنای جهان‌بینی اسلامی استوار است، انسان مطلوب، خصوصیات و ویژگی‌هایی دارد که مبانی نظری آن در قرآن کریم و نمود عملی آن در وجود و زندگی پیامبر اسلام (ص) و اهل بیت آن حضرت تجلی و تبلور یافته‌است. چنان‌که در «راهنمای برنامه درسی تعلیم و تربیت دینی» آمده که «مهمترین رسالت نظام اسلامی، برنامه‌ریزی برای پرورش و رشد انسان‌های مؤمن و عامل به تعالیم اسلامی است». به بیان دیگر، حاکمیت پارادایم سیاسی- اعتقادی مبتنی بر باورها یا جهان‌بینی و ارزش‌ها یا ایدئولوژی اسلامی، در برنامه‌ریزی و تألیف کتابهای درسی نیز، مثل دیگر ساحت‌های اجتماعی و فرهنگی، خود را نشان می‌دهد.

از دیدگاه کلان‌نگر، نظام آموزشی رسمی، بخشی از ساختار سیاسی هر جامعه‌ای دانسته می‌شود که در پی تولید و بارآوری فاعلان و سوژه‌های سیاسی و اجتماعی، برای زمان و مکان تعریف شده‌ای است. دولت‌ها و جناح‌های سیاسی غالب، به وساطت آموزش و پرورش، مجموعه‌ای وسیعی از قوانین و سیاست‌های گزینشی و بینشی خود را اعمال می‌کنند تا بدین شکل، راه‌های دستیابی به ایده‌آل‌های سیاسی و ملی هموارتر شود. تألیف کتاب‌های درسی در جمهوری اسلامی ایران، بر پایه ارزش‌های مورد تأکید در اسناد فرادستی، همچون «برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران»، «فلسفه تعلیم و تربیت در نظام جمهوری اسلامی ایران»، «فلسفه تعلیم و تربیت رسمی و عمومی در نظام جمهوری اسلامی ایران»، «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش»، «رهنامه نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران» و «سند تحول راهبردی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی در جمهوری اسلامی ایران» استوار است، چنان‌که در بخش «بیانیه ارزش‌ها» در «سند تحول راهبردی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی در جمهوری اسلامی ایران» صراحتاً قید شده‌است: «گزاره-

های ارزشی مندرج در بیانیه ارزش‌ها، بایدها و نبایدهای اساسی است که لازم است تمام اجزا و مؤلفه‌های نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی هماهنگ با آن‌ها بوده و همه سیاست‌گذاران و کارگزاران نظام، ملتزم و پای‌بند به آن‌ها باشند. این ارزش‌ها بر اساس آموزه‌های قرآن و سنت پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (علیهم‌السلام)، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، رهنمودهای رهبر کبیر انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری، سند چشم‌انداز بیست ساله، چشم‌انداز جامع علمی کشور و سیاست‌های کلی تحول نظام آموزشی تهیه و تدوین شده‌است و با مبانی نظری سند ملی آموزش و پرورش (شامل فلسفه تعلیم و تربیت، فلسفه تعلیم و تربیت عمومی و رهنامه نظام تعلیم و تربیت عمومی در جمهوری اسلامی ایران) سازگار و مستند به مضامین مندرج در آن‌ها است». با توجه به اسناد یادشده، هر برنامه درسی یک رویکرد عام و یک رویکرد خاص دارد. این دو رویکرد در تألیف کتابهای درسی نقش کلیدی دارند. در پیشگفتار کتاب‌های فارسی دوره متوسطه نیز، مثل کتاب‌های درسی دیگر فارسی، به همین رویکردها اشاره شده‌است: «کتاب درسی فارسی، بر بنیاد رویکرد عام برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، یعنی شکوفایی فطرت الهی استوار است و با توجه به عناصر پنج‌گانه علم، تفکر، ایمان، اخلاص و عمل، و جلوه‌های آن‌ها در چهار پهنه خود، خلق، خلقت و خالق بر پایه هدف‌های «برنامه درسی فارسی»، سازماندهی و تألیف شده‌است. ... رویکرد خاص برنامه فارسی‌آموزی، رویکرد مهارتی است؛ یعنی بر آموزش و تقویت مهارت‌های زبانی و فرازبانی (ادبی)، تأکید دارد» (بخشی، ۱۳۹۸).

در تدریس هر رشته درسی، شناخت ماهیت و چیستی آن درس و برنامه درسی مربوط به آن درس، از الزامات مهم و اساسی است. برای شناختن ماهیت رشته آموزش زبان و ادبیات فارسی، شناختن ماهیت زبان، هنر ادبیات و اهمیت آنها در برنامه درسی زبان و ادبیات لازم است. برای همین در این جا خلاصه‌ای از مقاله مهم «بررسی تطبیقی برنامه درسی ادبیات در مقطع متوسطه ایران با شش کشور اروپایی» را که در زمینه بررسی و تحلیل برنامه درسی ادبیات، در مقطع متوسطه، در ایران و جهان نوشته شده‌است، ذکر می‌کنیم:

«در عصر جهانی شدن، فن آوری اطلاعات و هجوم شتابناک علوم و تجارب که روزگار رقابت تنگاتنگ جوامع بشری است، یگانه راه حضور مستمر و موثر در صحنه جهانی، ارتقاء کیفیت نظام آموزشی و تاکید بر برنامه‌های آموزشی و درسی است. در این جهان، انسان اندیشمند و متفکر برای برقراری ارتباط با عالم هستی و داشتن زندگی سالم باید از طریق تحقیق و ایجاد پیوند میان روش‌های کسب معرفت اقدام کند. به اعتقاد صاحب‌نظران یکی از حوزه‌هایی که می‌تواند آدمی را در برقراری این ارتباط به طور موثر یاری دهد، ادبیات است. این حوزه به عنوان یکی از باسابقه‌ترین حوزه‌ها توانسته است در قالب برنامه‌های درسی تاثیر قابل ملاحظه‌ای بر افکار افراد بگذارد. ادبیات در معنی گوناگونی به کار می‌رود. فرهنگ آکسفورد ادبیات را مجموعه‌ای از مواد نوشتاری در یک دوره یا کشور خاص می‌داند که برانگیزاننده احساسات بوده و علاوه بر برانگیختن حس زیبایی، تاثیر عاطفی بر افراد می‌گذارد. به اعتقاد برخی از صاحب‌نظران نیز ادبیات شامل مجموعه حکایتها، اشعار، داستانهای کوتاه و ادبیات نمایشی بوده و ماهیت تماس بین خواننده و متون ادبی، وجه تمایز آن با متون غیر ادبی است. اگرچه تعریف ادبیات زیاد واضح نیست، اما آنچه مورد توافق همگان است، این است که برای همه دانش‌آموزان مهم است که ادبیات را بخوانند. بسیاری از محققان معتقدند که ادبیات دارای کارکردهای آموزشی زیادی است که مهمترین آنها توسعه دانشهای ادبی دانش‌آموزان، افزایش مهارت‌های خواندن و نوشتن و افزایش آگاهی‌های اجتماعی و فرهنگی می‌باشد که بایستی برنامه‌های درسی مدارس آنها را پوشش دهند. در مدارس متوسطه به دلیل اهمیت خاصی که هم از لحاظ مقطعی و هم از لحاظ حساسیت مراحل رشد عاطفی، اخلاقی و اجتماعی دانش‌آموزان دارد، برنامه درسی ادبیات از جایگاه ویژه‌ای در رشد و توسعه مهارت‌ها و قابلیت‌های آنان برخوردار است. به زعم صاحب‌نظران، رشد قابلیت‌های ادبی فرایندی است که از سطح خیلی محدود تا سطوح پیشرفته را شامل می‌شود که طی آن عوامل شخصی و زمینه‌ای با یکدیگر تعامل پیدا می‌کنند. عوامل شخصی یا درونی به رشد اجتماعی، شناختی و عاطفی دانش‌آموزان اشاره دارد و عوامل خارجی و زمینه‌ای به معلمان و برنامه‌های درسی ادبیات مربوط می‌گردد. دانش‌آموزان دارای قابلیت‌های ادبی پایین، از عوامل شخصی بیشتر تاثیر پذیرفته‌اند و برای مثال علاقه زیادی به

خواندن متون نشان نمی‌دهند. در مقابل، دانش‌آموزان دارای قابلیت‌های ادبی بالا، همواره از اشتیاق و تمایل زیادی برای خواندن ادبیات برخوردارند. تعامل عوامل داخلی و خارجی بر محتوا و شکل برنامه های درسی ادبیات در مدارس تاثیر می‌گذارد و این عوامل نیز بسته به وضعیت اقتصادی- اجتماعی کشورها، ویژگیهای جغرافیایی و سیاسی، و ویژگیهای نظام آموزشی آنها تاثیر متفاوت خواهد داشت. به همین دلیل بایستی ادبیات را به عنوان یک فعالیت ادبی و زبانی در هر جایی وابسته با بافت موقعیتی‌اش تحلیل کرد. این عوامل بر رویکردهای مربوط به آموزش ادبیات در مدارس متوسطه نیز تاثیر گذاشته است. رویکرد و یا دیدگاه یک نظام به تعلیم و تربیت و به تبع آن برنامه درسی منعکس کننده جهان بینی آن نظام و افراد آن است. این جهان بینی نسبت به برنامه درسی ادبیات بیانگر موضع‌گیری اساسی درباره فرایند یاددهی- یادگیری، اهداف، محتوا، نقش یادگیرنده، نقش محیط آموزشی، نقش معلم و ... است. تعیین رویکردهای برنامه درسی ادبیات از جمله مراحل حساس و ضروری برنامه ریزی درسی است که چارچوب نظری و مفهومی برنامه درسی را پی- ریزی می‌کند. روشن شدن رویکرد برنامه درسی، سبب انتظام در مولفه‌های برنامه درسی و جهت گیری مشخص در مراحل برنامه‌ریزی درسی می‌شود. رویکردهای آموزش ادبیات در مدارس را به دو دسته کلی تقسیم می‌کنند: یکی «رویکرد فرهنگ‌محور» و دیگری «رویکرد دانش‌آموزمحور» (فراگیرمحور). رویکرد اولی، مشتمل بر دو مؤلفه سواد فرهنگی و آگاهیهای زیباشناختی می‌باشد که از محوریت دانش‌آموزان کاسته و بر ادبیات سطح «عالی» تاکید می‌کند. در مقابل، رویکرد دومی که مشتمل بر دو مؤلفه آگاهیهای اجتماعی و رشد شخصی است، بر دانش‌آموزان تاکید داشته و علایق و دانش قبلی آنها را در درس ادبیات لحاظ می‌کند. برخی از صاحب‌نظران، در ارتباط با ساختار موضوعی ادبیات چهار رویکرد درباره برنامه درسی ادبیات را مطرح می‌سازند: اولین رویکرد «سواد فرهنگی» می‌باشد که بیان می‌دارد که دانش‌آموزان بایستی با تاریخ ادبی و دسته‌بندیهای فرهنگ ملی خودشان آشنایی پیدا کنند. «آگاهیهای زیبایی‌شناختی» دومین رویکرد است که بر مطالعه متون ادبی تاکید دارد: چنانچه دانش‌آموزان دانش و مهارت لازم را در تحلیل و تفسیر متون ادبی به دست آوردند، می‌توانند در ارتباط با ارزش زیباشناختی آثار

ادبی به نقدها و قضاوت‌های مطلوبی بپردازند. رویکرد سوم، «آگاهی‌های اجتماعی» می باشد؛ این رویکرد معتقد است که ادبیات بایستی در ارتباط با زمینه و بافت آن درک گردد. آخرین رویکرد «رشد شخصی» است که دانش‌آموزان را ترغیب می‌کند تا لذتی را که آنها هنگام خواندن متون ادبی تجربه می‌کنند، درک کنند» (رحمان‌پور و نیلی، ۱۳۹۴).

با توجه به آنچه تا کنون گفتیم، در درس «راهنمای تدریس آموزش زبان و ادبیات فارسی» لازم است که دانشجومعلم‌ان محترم آشنایی کافی با رویکردهای عام و خاص برنامه درسی فارسی، از جمله رویکردهای مهارتی، آموزشی این برنامه درسی داشته باشند و تنها مرجع رسمی ما در این زمینه بخش «پیشگفتار» کتابهای درسی «فارسی» و «علوم و فنون ادبی» دوره دوم متوسطه برای درس «راهنمای تدریس آموزش زبان و ادبیات فارسی» است، برای همین لازم دیدیم که به عنوان بخش مهمی از این درس، دانشجومعلم‌ان محترم مباحث مطرح‌شده این دو بخش را دقیقاً مطالعه کنند و به صورت عمیق بشناسند تا برای رسیدنشان به بهترین روشهای تدریس به آنها کمک کند.

با توجه به اهمیت موضوع، لازم است دانشجومعلم‌انی که درس راهنمای تدریس آموزش زبان و ادبیات فارسی دارند، علاوه بر مطالب فایل آموزشی «روشهای فعال تدریس - تدریس به روش فعال (فراگیر محوری)» که خلاصه‌ای از کتاب ارزشمند هنر تدریس به روش فراگیر محوری، دونا براندز و پال گینیس، ترجمه سعید کتابی و محمد کاوش نیا، ویراستار: مرتضی ثابت قدم، اصفهان: انتشارات فرهنگ مردم، ۱۳۸۵، چاپ اول است و خدمت دانشجومعلم‌ان محترم پیش از این ارائه کردیم، مطالب این فایل و نیز بخشهای ذکرشده از دو کتاب درسی را مطالعه کنند و بر آنها تسلط و احاطه کافی داشته باشند.

منابع

بخشی، اختیار (۱۳۹۸). «نگاهی به حضور الهیات اسلامی در کتابهای درسی فارسی دوره متوسطه مطالعه موردی: کتاب درسی فارسی پایه نهم، دوره اول متوسطه»،

فصلنامه علمی - پژوهشی «نوآوری‌های آموزشی»، دوره ۱۸، شماره ۲ - شماره پیاپی ۷۰، تابستان ۱۳۹۸، صفحه ۷-۳۰.

رحمان‌پور، محمد و نیلی، محمدرضا (۱۳۹۴). «بررسی تطبیقی برنامه درسی ادبیات در مقطه متوسطه ایران با شش کشور اروپایی». نشریه علمی پژوهشی آموزش و ارزشیابی، ۸ (۳۲)، ۴۱-۶۰.

صدری افشار، غلامحسین؛ حکمی، نسرین؛ حکمی نسترن (۱۳۸۱). فرهنگ معاصر فارسی امروز. تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.